

## بررسی نگرش شهروندان از مشارکت در مدیریت شهری مطالعه ای در منطقه ۷ تهران

دکتر علیرضا کلدی\*

### چکیده

هدف پژوهش، بررسی نگرش شهروندان منطقه ۷ تهران از مشارکت در مدیریت شهری است. در این تحقیق به ابعاد مشارکت شهروندان و عواملی که به نگرش آنها از مفهوم مشارکت اثر خواهد گذاشت پرداخته شده است.

مبانی نظری تحقیق حاضر بر پایه دیدگاه های روانشناختی و جامعه شناختی مشارکت استوار است. روش تحقیق، روش پیمایشی است. همچنین در این تحقیق از مطالعه اسناد و مدارک و منابع کتابخانه ای استفاده شده است. بمنظور جمع آوری اطلاعات از ابزار «پرسشنامه ساخت یافته» بهره گرفته شده است. در این تحقیق، از روش نمونه گیری مطبق استفاده شد. همچنین با روش سهمیه‌ای، درصد خانوار هر ناحیه از منطقه ۷ مشخص شد و در مجموع تعداد نمونه ۳۷۳ نفر تعیین شد.

بر اساس نتایج حاصله از تحقیق، نگرش شهروندان از مشارکت مبتنی بر کمک فکری و ارائه پیشنهاد بوده و تمایلی به مشارکت در حیطه عمل و اجرا نداشته اند. در این تحقیق، میزان مشارکت با جنس، وضع تاهل، بعد خانوار، مدت زمان سکونت در محل، و نیز احساس مالکیت بر اموال عمومی شهر ارتباط نشان می دهد. همچنین میزان مشارکت با میزان شناخت از فعالیت های در خدمت شهروندان و پایگاه اقتصادی - اجتماعی شهروندان ارتباط نشان می دهد.

### واژگان کلیدی

نگرش، شهروند، مشارکت اجتماعی، مدیریت شهری

## مقدمه

افزایش جمعیت و شهرنشینی به عنوان پدیده ای فراگیر در یکصد سال اخیر هم کشورهای صنعتی و هم کشورهای در حال توسعه را دربر گرفته است. بطوری که بسیاری از جوامع معاصر، دارای شهرهای پرجمعیت چند میلیونی هستند. پیش از سال ۱۹۰۰ میلادی رشد شهرنشینی، مربوط به کشورهای غربی بود، اما از ابتدای قرن بیستم، دامنه شهرنشینی به کشورهای در حال توسعه نیز کشیده شد و در دهه های اخیر جمعیت شهرنشین اغلب کشورهای در حال توسعه بیش از جمعیت روستانشین آنها است. (گیدنز، ۱۳۷۳).

صنعتی شدن، شهرنشینی و گسترش دستگاه های اداری بعنوان عوامل مؤثر در دگرگونی جوامع غربی در قرون اخیر مورد توجه قرار گرفته اند. در این راستا، متفکرینی مانند دورکیم، وبر، مارکس، زیمل و مانهایم هریک به نوعی به عوامل فوق اشاره داشته اند.

گسترش شهرها در نتیجه افزایش جمعیت و مهاجرت از روستاها پدید آمده است. همچنین مهاجرت از روستا به شهر باعث تراکم جمعیت شهر می شود و این در حالی است که مهاجران وارد شده به شهر با اوضاع و احوال زندگی شهری خو نگرفته اند.

روند سریع انتقال جمعیت از روستا به شهر در برخی شهرها با ایجاد منابع و امکانات کافی شهری مانند مسکن، آب، برق و ... همراه نبوده است و کمبودهایی احساس شده است. از طرف دیگر افزایش جمعیت، گسترش فیزیکی شهر را در پی داشته و ارائه خدمات شهری را مشکل کرده است.

بدین ترتیب مشکل مسکن، کمبود فضای سبز کافی، آلودگی هوا ناشی از تردد اتومبیل ها، حاشیه نشینی و بیکاری، از جمله عوامل نارضایتی شهری است. در جهان معاصر، حل مسائل شهری، جز با شناختن نیازها، خواسته ها و نگرش های شهروندان امکان پذیر نیست و شناخت مسائل، جز با پژوهش میسر نیست و پژوهش های اجتماعی می توانند مورد استفاده سیاست های برنامه ریزی اجتماعی، مسکن، تعلیم و تربیت، بهداشت و ... قرار گیرد. آگاهی از نیازها و مسائل مردم و بررسی نگرش آنان در میزان نقشی که می توانند در رفع مشکلات شهری داشته باشند، زمینه مساعدی برای برقراری ارتباط منطقی و صحیح بین نهاد خدمت رسان به شهروندان و خود شهروندان فراهم ساخته و اعتماد میان شهروندان و مدیریت شهری برقرار می شود. مشارکت شهروندان در مدیریت شهری می تواند در تأمین

منابع اقتصادی، کاهش هزینه خدمات، افزایش انسجام اجتماعی، کاهش آسیب ها و تنش های ناشی از زندگی شهری و رضایت شهروندان مؤثر باشد.

### اهداف

هدف تحقیق حاضر، بررسی نگرش شهروندان منطقه ۷ تهران از مشارکت در مدیریت شهری است. بطور اخص، هدف از تحقیق، بررسی نگرش شهروندان از مشارکت در امور شهری و عوامل مؤثر بر میزان مشارکت آنان در مدیریت شهری است.

### اهمیت و ضرورت تحقیق

در عصر حاضر، همراه با پیشرفت های تکنولوژی، مسائل مهم و پیچیده ای بوجود آمده است. گسترش شهرنشینی در دهه های اخیر به ویژه افزایش جمعیت تهران و کمبود امکانات رفاهی متناسب با این افزایش جمعیت، مشکلات اجتماعی پیش روی مدیریت شهری قرار داده است. بدین ترتیب بررسی نگرش شهروندان از مشارکت در مدیریت شهری بعنوان هدف اصلی این تحقیق می تواند جائز اهمیت باشد.

### پژوهش های انجام شده

در یک تحقیق، مشارکت فرایندی توصیف شده است که توسط آن مردم می توانند خود را سازمان دهند و از طریق آن در فعالیت های توسعه محلی توان اظهار نظر یابند. (محسنی تبریزی، ۱۳۷۳)

همچنین روابط اجتماعی و تعامل ها یکی از عوامل مهم در ایجاد احساس تعلق عنوان شده بطوری که تعامل اجتماعی خمیرمایه هسته مرکزی گروه یا اجتماع را تشکیل می دهد و در شکل گیری جمعی متشکل از افراد، نقش برجسته ای ایفا می کند. در میدان های تعاملی است که افراد به مبادلات عاطفی می پردازند و در نتیجه این فرایند، پیوند میان اعضای گروه یا اجتماع عمیق می گردد و احساس تعلق جمعی شکل می گیرد و این احساس شرایط لازم را برای اجتماع اخلاقی آماده می سازد و تعهد، اعتماد، گذشت و فداکاری در افراد جامعه زمینه رشد می یابد. (چلبی، ۱۳۷۲). در مطالعه ای دیگر، با تکیه بر جنبه های روانشناختی و جامعه شناختی، مشارکت پدیده ای دانسته شده که دارای چهار بعد صیانت نفس، درک نفس، قدرت تصمیم برای خود و تسلط بر نفس است. به عبارت دیگر مشارکت رشد توانایی های

اساسی بشر از جمله شان و منزلت انسانی و مسئول ساختن بشر در باروری نیروی تصمیم گیری و عمل است (حامد مقدم، ۱۳۷۰). در پژوهش دیگر، عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در مساجد مناطقی از تهران مورد بررسی قرار گرفته است (شایگان، ۱۳۷۸). در یک پژوهش نیز مشارکت، حرکت آگاهانه، فعال، آزاد، و با مسئولیت که برای تثبیت امور جامعه ضروری است عنوان شده است (شادی طلب، ۱۳۷۲).

### مبانی نظری

مبانی نظری تحقیق حاضر بر دیدگاه های روانشناختی و جامعه شناختی مشارکت مبتنی ست. در دیدگاه روانشناختی مشارکت، بر عوامل روانی و درونی تاکید می شود. از این دیدگاه، متغیرهای درونی همان تفاوت ها در ظرفیت هایی است که سبب می شوند افراد از حیث آمادگی برای عکس العمل های گوناگون در برابر محرک های اجتماعی و یا ترغیب مشارکت در مسائل اجتماعی متفاوت باشند. اندیشمندانی که در بررسی عوامل مرتبط با فعالیت های مشارکتی افراد، عوامل درونی را ذکر کرده اند، ساخت انگیزشی را تعیین کننده رفتار اجتماعی آنها دانسته اند. در دیدگاه روانشناختی مشارکت بر عوامل انگیزه و ویژگیهای شخصیتی به عنوان عوامل تعیین کننده نگرش های فردی در مبادرت به فعالیتهای اجتماعی تاکید می شود. از این نظر در بررسی فعالیت های مشارکتی افراد باید به میزان احساس تعلق او به جامعه، اعتماد به نفس، خلاقیت، استعدادهای فردی و نیز انگیزه پیشرفت، انگیزه شایستگی، و انگیزه کار توجه داشت.

هیگن<sup>۱</sup> در باب تئوری تغییر اجتماعی، به دگرگونی در الگوهای جامعه پذیری در انواع شخصیت و سپس رفتار اجتماعی افراد اشاره می نماید که در نتیجه بر دگرگونی اجتماعی تاثیر می گذارد. بدین ترتیب تفاوت در شخصیت، شکل گیری شخصیت و شرایط اجتماعی مؤثر بر آن اساس تئوری تغییر اجتماعی هیگن است.

هیگن با بررسی نقش شناخت ها، ارزش ها و نیازهای انسانی استدلال می کند که یک شخصیت خلاق و نوآور، پدیده های جهان را در نظامی شکل یافته و منسجم می بیند و تصور می کند دنیا برای او ارزش قایل است، بنابراین درصدد برمی آید اهمیت خود را برای محیط به

اثبات برساند. چنین شخصیتی از میزان بالای انگیزه همکاری و مشارکت آگاهانه و ارادی در تصمیم گیریها برخوردار است.

بنابراین از نظر هیگن، انسان خلاق (مدرن) دارای ویژگیهای اعتماد به نفس، انگیزه نظم و استدلال، انگیزه کمک و همکاری، انگیزه مشارکت در تصمیم گیریها و نیز انگیزه پیشرفت است (هریسون، ۱۳۷۶).

مک کالند<sup>۱</sup> ساخت های شخصیتی را با تأکید بر خصیصه نیاز به پیشرفت و خلاقیت در مسیر تاریخی بررسی می کند. او معتقد است برای تحقق نوسازی، یک سلسله تغییرات مثبت در ساخت شخصیتی کنشگران اجتماعی لازم است. او ریسک پذیری، مسئولیت پذیری و مشارکت اجتماعی را از عوامل مرتبط با پیشرفت می داند (هریسون، ۱۳۷۶).

در دیدگاه جامعه شناختی مشارکت، بر فرایندهای اجتماعی - اقتصادی، نهادهای خانوادگی و نظام تعلیم و تربیت تأکید می شود. از این دیدگاه، فراگردهای اجتماعی و بیرونی تعیین کننده میزان مشارکت افراد هستند. صاحب نظران این دیدگاه، فرایندهای ساختاری و اجتماعی نظیر شهرنشینی، گسترش وسایل ارتباط جمعی، ساخت قدرت، پویایی گروهی، سطح آموزش و منزلت اجتماعی را بر مشارکت مؤثر دانسته‌اند. به زعم آنان، حرکت های ساختاری اجتماعی، اقتصادی، نگرش های مثبت و منفی مشارکتی افراد را شکل می‌دهند. این نیروها از مجرای ساخت خانوادگی و عوامل تربیت اجتماعی بر کنش کنشگران اجتماعی تأثیر می گذارند. بدین ترتیب لرنر<sup>۲</sup> بر سه فرایند شهرنشینی، سواد و مشارکت رسانه ای اشاره می نماید. وینر<sup>۳</sup> گسترش وسایل ارتباط جمعی، ساخت قدرت و تکوین نوسازی را دلائل عمده مشارکت افراد ذکر می کند. لیپست<sup>۴</sup> در بررسی مشارکت اجتماعی - سیاسی متغیرهای اجتماعی مختلف را وارد می‌داند. همچنین هانتینگتون<sup>۵</sup> منزلت طبقاتی بالاتر و سپس پویایی و احساس گروهی را زمینه شکل گیری مشارکت اجتماعی - سیاسی می داند.

1 - McClelland

2 - Lerner

از نظر لرنر، شهرنشینی، سواد، مشارکت رسانه‌ای و انتخاباتی در ارتباط متقابل با یکدیگرند و مشارکت در آنها به معنای مشارکت در سیستم کلی جامعه است. به نظر او با گسترش نهادهای مشارکتی، فعالیت افراد در بخش‌های مختلف جامعه و سپس میزان همدلی فزونی می‌یابد. سازوکار روانشناختی مشترکی مراحل مختلف فوق را همراهی می‌کند و آن همدلی افراد است که مشارکت اجتماعی را تقویت می‌کند. از نظر او هر قدر از طرف شخصیت سنتی به سوی شخصیت مدرن می‌رویم، میزان شهرنشینی، سواد، استفاده از رسانه‌ها و میزان مشارکت افزایش می‌یابد. همچنین به قول هومنز<sup>۱</sup> هر عملی از یک شخص اگر که مورد پاداش قرار گیرد احتمال تکرار آن عمل به وسیله همان شخص افزایش می‌یابد.

وینر در بررسی عوامل و شرایط مؤثر بر تشکیل و رشد مشارکت مردم در امور اجتماعی - سیاسی به عواملی چون رشد نیروی کار در شهر، تنوع فرهنگی (قومی، زبانی، مذهبی)، و گسترش ارتباطات جمعی اشاره می‌نماید (وینر، ۱۳۵۳).

به نظر لیپست کارکرانی که در اجتماع شغلی فعال هستند در امور تشکیلاتی فعال ترند. بنابراین درجه بالای مشارکت اجتماعی با نتایج سیاسی که به بار می‌آورد، متأثر از عواملی چون پایگاه شغلی است. او در بررسی مشارکت اجتماعی - سیاسی، متغیرهای اجتماعی مانند تحصیلات، شغل، درآمد، سن، جنس، محل سکونت و وضعیت تأهل را مورد توجه قرار داده است.

لیپست در باب تاثیر شغل بر مشارکت اجتماعی - سیاسی معتقد است که فعالیت‌هایی که افراد تحت تاثیر مشاغل خود انجام می‌دهند، نه فقط بر مشارکت فردی آنان در شبکه ارتباطات سازمان یافته جامعه اثر می‌گذارد، بلکه بر توانایی آنان برای مشارکت اجتماعی - سیاسی تاثیر می‌گذارد.

هانتینگتون نیز عوامل پویای نوسازی را بر مبنای اقتدار خردمندان، تمایزپذیری ساخت‌ها و گسترش مشارکت اجتماعی - سیاسی می‌داند. او مشارکت را در دو وجه اساسی توزیع قدرت درون یک نظام سیاسی و هماهنگ سازی موفقیت آمیز نیروهای اجتماعی تولیدی و مصرفی در یک نظام، توضیح می‌دهد. به نظر او در فرایند نوسازی و توسعه که تنوع و تمایز ساختاری و تخصصی شدن کارکردی و نهایتاً پیچیدگی ساختاری بوجود می‌آید به مشارکت مردم برای ایفای نقش‌های جدیدتر نیاز است. (هانتینگتون، ۱۳۷۵).

به نظر هانتینگتون، بر حسب میزان و نوع مشارکت در نظام ها، می توان مدل سرمایه داری توسعه، مدل مردم گرایی، مدل لیبرال، مدل خودکامگی و مدل تکنوکراتیک را ملاحظه نمود (قوام، ۱۳۷۳).

در مجموع، مشارکت صرفنظر از اهداف آن، برای تحقق برخی مقاصد اجتماعی - سیاسی ضروری ست، گرچه ممکن است جهت و مقصد این مشارکت تابع شرایط زمانی و مکانی باشد.

### روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش پیمایشی است، زیرا علاوه بر ویژگیهای جمعیتی، محیط اجتماعی، نوع فعالیت و نیز نگرش آنان می تواند مورد بررسی قرار گیرد. هدف تحقیق حاضر، بررسی نگرش شهروندان از مشارکت در مدیریت شهری است. لذا این تحقیق بدنبال پاسخگویی به سؤالاتی از قبیل مفهوم و ابعاد مشارکت، نگرش شهروندان از ایفای نقش مشارکتی در مدیریت شهری و عوامل مؤثر بر فرایند مشارکت است.

### تعاریف

نگرش، یک نوع حالت آمادگی ذهنی است که از طریق تجربه سازمان می یابد و تأثیر هدایتی یا پویا بر فرد می گذارد. به عبارت دیگر نگرش را می توان به عنوان یک سازمان بادوام از فرایندهای انگیزه ای، احساسی، ادراکی و شناختی عنوان کرد. نگرش به نظم و ترتیبات خاصی از احساسات، تفکرات و تمایلات فرد برای کنش اشاره دارد که به سمت بعضی از جنبه های محیطی او جهت می یابد. نگرش مفهومی چند بعدی ست که از خصایص شناختی، عاطفی و رفتاری تشکیل یافته است.

مشارکت اجتماعی سطوح فعالیت از عضویت ساده در انجمن ها تا فعالیت هایی در حوزه های مختلف اجتماعی به منظور طرح مشکلات و درخواست اصلاح و تغییر سیاست ها را دربر می گیرد (رضایی، ۱۳۷۵).

مشارکت عبارتست از فعالیت های اداری و داوطلبانه ای که از طریق آن اعضای یک جامعه در امور محله، شهر، و یا روستای خود شرکت می کنند و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی خود سهیم می شوند (محسنی تبریزی، ۱۳۷۳).

مشارکت از نظر سطح (خرد، میانی، کلان)، از نظر انواع، برحسب انگیزه های ایجاد آن (درون زا، برون زا)، برحسب چگونگی دخالت مردم (مستقیم، غیرمستقیم)، برحسب سطوح فراگیری (محلی، منطقه ای، ملی)، برحسب کیفیت همکاری مردم (طبیعی، خود انگیزه، داوطلبانه، برانگیخته، تحمیلی یا اجباری)، برحسب سطوح اجرایی و محتوی عملکردی (بهره مندی خدمات، ارزیابی خدمات، ارائه پیشنهاد، تصمیم گیری و برنامه ریزی، اجرا، نظارت)، برحسب موضوع و قلمرو اجرایی (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی) حائز اهمیت است (طالب، ۱۳۷۵).

بدین ترتیب سطوح مشارکت شهروندان در مدیریت شهری، در استفاده بهینه از خدمات شهری، در ارزیابی عملکرد و خدمات شهری، در ارائه پیشنهادات نسبت به خدمات شهری، در تصمیم گیری، در اجرا، و در نظارت بر خدمات شهری قرار می گیرد.

در این تحقیق ارتباط متغیرهای روانشناختی - اجتماعی مانند احساس رضایتمندی، احساس اعتماد شهروندان، متغیرهای محیطی مانند مدت زمان سکونت شهروندان، و متغیرهای پیشینه ای مانند سن، جنس، شغل، میزان تحصیلات، وضعیت تاهل شهروندان با نگرش شهروندان از مشارکت در مدیریت شهری مورد مطالعه قرار گرفت.

#### فرضیات این تحقیق عبارتند از:

- \* به نظر می رسد احساس مالکیت شهروندان بر محیط شهری با میزان مشارکت آنها در مدیریت شهری ارتباط دارد.
- \* به نظر می رسد هرچه احساس تعلق اجتماعی شهروندان بیشتر شود میزان مشارکت آنها در مدیریت شهری افزایش می یابد.
- \* به نظر می رسد مدت زمان سکونت شهروندان در یک محله با میزان مشارکت آنها در مدیریت شهری ارتباط دارد.
- \* به نظر می رسد بین جنسیت و میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری ارتباط وجود دارد.
- \* به نظر می رسد بین سن و میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری ارتباط وجود دارد.
- \* به نظر می رسد بین شغل و میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری ارتباط وجود دارد.



\* به نظر می رسد بین میزان تحصیلات و میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری ارتباط وجود دارد.

\* به نظر می رسد بین وضعیت تاهل و میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری ارتباط وجود دارد.

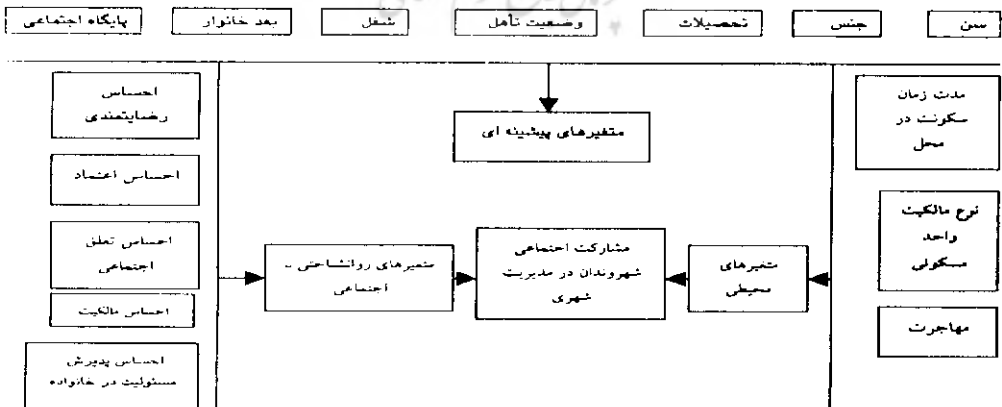
### شیوه جمع آوری اطلاعات

شیوه جمع آوری اطلاعات، پرسشنامه حاوی ۲۴ سؤال است. سوالات شناسایی با معرفی متغیرهای پیشینه ای مشتمل بر ۱۵ سؤال، سوالات مربوط به متغیرهای روانشناختی - اجتماعی مشتمل بر ۱۶ سؤال و متغیرهای محیطی مشتمل بر ۳ سؤال است که با انجام Pre-test، مناسب بودن سوالات پرسشنامه روشن شد. همچنین مقدار  $\alpha$  کول ۰/۷۹ نشان می دهد که همبستگی درونی گویه ها مناسب است.

سؤال اساسی تحقیق برای سنجش میزان مشارکت شهروندان در فعالیت های اجتماعی بر اساس مقیاس بیکر، شامل میزان مشارکت در مراسم و جشن های ملی، میزان مشارکت در مراسم مذهبی، میزان مشارکت در انجمن های علمی، فرهنگی و هنری، میزان مشارکت در باشگاه های ورزشی یا انجمن های تفریحی، میزان مشارکت در تصمیم گیریهای محله ای، میزان مشارکت در امور خیریه و عام المنفعه، میزان مشارکت در سخنرانی ها، میزان مشارکت در انتخابات، میزان مشارکت در فعالیت های سیاسی - اجتماعی، میزان مشارکت در فعالیت های مسجد محله است که بر روی طیف از خیلی زیاد تا خیلی کم مدرج شده است.

در این تحقیق، عوامل مؤثر بر میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری در نمودار زیر

مشخص شده است :



جامعه آماری در تحقیق حاضر کلیه شهروندان منطقه ۷ تهران است که طبق سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵، ۳۰۰۳۱۲ نفر جمعیت دارد و به ۵ ناحیه و ۱۶ محله تقسیم شده است. واحد نمونه در این تحقیق خانوار است که در منطقه ۷، شامل ۸۱۰۰۰ خانوار می شود. برای تعیین حجم نمونه، ابتدا از روش نمونه گیری طبقه بندی شده<sup>۱</sup> استفاده بعمل آمد. سپس با استفاده از فرمول آماری کوکران و با سطح معنی داری  $\alpha = 0.05$ ،  $p = 0.05 = 1/96$ ، و میزان خطا  $d = 0.05$  و به لحاظ وجود صفات و خصوصیات اقتصادی - اجتماعی مشابه، از نواحی ۱ و ۲، ناحیه ۲، از نواحی ۳ و ۴، ناحیه ۴ و نیز ناحیه ۵ انتخاب شدند. بدین ترتیب حجم خانوار در ناحیه ۲، ۴، ۵ معادل  $N = 45708$  بوده است. سپس با روش سهمیه ای، درصد خانوار هر ناحیه از خانوار کل بدست آمد و آن درصد در انتخاب نمونه ها اعمال شد. همچنین درصد خانوار در هر محله از خانوار کل ناحیه بدست آمد و آن درصد در انتخاب نمونه ها اعمال شد. بدین ترتیب در ناحیه ۲، محله ۸، ۹، ۱۴ با ۴۵، ۲۵ خانوار، در ناحیه ۴، محله ۱، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۷ خانوار و در ناحیه ۵، محله ۲، ۳، ۴، با ۹۷، ۲۶ خانوار، و مجموعاً تعداد نمونه ۲۸۰ خانوار بدست آمد، ولی در مرحله جمع آوری اطلاعات که در سال ۱۳۷۹ انجام شد، تعداد ۲۷۲ پرسشنامه تکمیل شده کامل بدست آمد.

### یافته های تحقیق

جمعیت جامعه نمونه تحقیق از میان خانوارهای ساکن در منطقه ۷ تهران که در زمان مراجعه، در محل حاضر بوده اند، انتخاب شدند که ۴۸ درصد جمعیت مورد مطالعه مرد و ۵۲ درصد زن بوده اند. ۱۶/۸ درصد از جمعیت مورد مطالعه کمتر از ۲۰ سال سن، ۳۰/۲ درصد بین ۲۰ الی ۲۹ سال، ۳۴/۷ درصد بین ۳۰ الی ۳۹ سال، ۶/۶ درصد بین ۴۰ الی ۴۹ سال، ۶/۹ درصد بین ۵۰ الی ۵۹ سال و ۲/۸ درصد از جمعیت مورد مطالعه ۶۰ سال و بالاتر بوده اند. در خصوص میزان تحصیلات پاسخگویان، ۲۱ درصد از شهروندان مورد مطالعه دارای تحصیلات کمتر از دیپلم، ۴۹/۲ درصد تحصیلات دیپلم، ۲۶/۱ درصد لیسانس، ۳/۷ درصد فوق لیسانس و بالاتر بوده اند. در خصوص وضعیت تاهل پاسخگویان، ۶۹/۱ درصد مجرد، ۲۳/۸ درصد ازدواج کرده، ۱/۹ درصد بدون همسر در اثر متارکه، و ۵/۲ درصد بدون همسر در اثر فوت همسر بوده اند.

در خصوص بعد خانوار، ۹/۳ درصد پاسخگویان دارای بعد خانوار تا ۲ نفره، ۴۱/۴ درصد تا ۴ نفره، ۲۸/۴ درصد تا ۶ نفره و ۱۰/۹ درصد ۷ نفر و بیشتر بوده اند.

در خصوص مدت زمان سکونت در محل، ۲۳/۲ درصد کمتر از ۵ سال در محل فعلی زندگی می‌نمایند، ۲۳/۸ درصد بین ۵ تا ۹ سال، ۲۱/۸ درصد بین ۱۰ تا ۱۴ سال، ۱۳/۶ درصد بین ۱۵ تا ۱۹ سال و ۱۷/۶ درصد ۲۰ سال و بیشتر در محل مورد سکونت فعلی زندگی کرده‌اند. ۶۹/۸ درصد از پاسخگویان مالک واحد مسکونی خود هستند، ۲۷/۲ درصد اجاره ای، و ۳ درصد واحد مسکونی در برابر خدمت، رایگان و غیره داشته‌اند.

برای تعیین میزان مشارکت اجتماعی شهروندان بر اساس مقیاس بیکر (۱۰ سوال)، ۲۹/۲ درصد پاسخگویان میزان مشارکت اجتماعی پائین (کمتر از ۲۳ امتیاز)، ۶۵/۴ درصد مشارکت متوسط (۲۴ تا ۲۸ امتیاز)، و ۵/۴ درصد مشارکت بالا (امتیاز ۲۹ و بالاتر) را کسب کرده‌اند.

در خصوص میزان احساس مالکیت بر اموال عمومی شهر، ۱/۵ درصد از پاسخگویان، پاسخ زیاد و بسیار زیاد، ۳/۳ درصد تا حدودی، ۲۵/۵ درصد کم، ۳۹/۳ درصد بسیار کم و ۳۰/۴ درصد پاسخ اصلاً را اعلام داشته‌اند. در خصوص میزان رضایت‌مندی از خدمات شهری، ۱۱/۵ درصد پاسخ زیاد و بسیار زیاد، ۱۷/۳ درصد تا حدودی، ۷۰/۷ درصد کم و بسیار کم را اعلام داشته‌اند.

در خصوص معنی و مفهوم مشارکت اجتماعی از نظر شهروندان مطابق جدول شماره (۱)، ۴۲/۴ درصد از پاسخگویان با جمله «مشارکت یعنی ارائه کمک فکری» موافق هستند، ۵۷/۶ درصد مخالف؛ ۸/۶ درصد با جمله مشارکت یعنی ارائه کمک مالی موافق هستند، ۹۱/۴ درصد مخالف؛ ۲۵/۳ درصد با جمله «مشارکت یعنی ارائه پیشنهاد» موافق هستند، حال آنکه ۷۴/۷ درصد مخالف هستند؛ ۱۶/۷ درصد با جمله «مشارکت یعنی همکاری عملی و اجرایی» موافق هستند، ۸۳/۳ درصد مخالف؛ ۴۴/۲ درصد با جمله «مشارکت یعنی رعایت قوانین و مقررات شهری» موافق هستند، ۵۵/۸ درصد مخالف؛ همچنین ۱۵/۹ درصد با جمله «مشارکت یعنی کمک در تصمیم‌گیریهای محله‌ای» موافق هستند، ۸۴/۱ درصد مخالف.

۲۹/۷ درصد پاسخگویان معتقدند چنانچه در امور شهری مشارکت نمایند، پاداش ناشی از عمل مشارکتی نصیبشان می‌گردد، ۵۹/۸ درصد تا حدودی، و ۱۰/۵ درصد از پاسخگویان معتقدند چنانچه در امور شهری مشارکت نمایند پاداش ناشی از عمل مشارکتی دریافت نمی‌نمایند.

جدول شماره (۱) توزیع طرز تلقی شهروندان از مفهوم مشارکت اجتماعی در امور شهری

درصد	فراوانی	معنی و مفهوم مشارکت اجتماعی از نظر شهروندان منطقه
۴۲/۴	۱۵۹	ارائه کمک فکری
۵۷/۶	۲۱۴	موافق مخالف
۸/۶	۳۲	ارائه کمک مالی
۹۱/۴	۳۴۰	موافق مخالف
۲۵/۳	۹۵	ارائه پیشنهاد
۷۴/۷	۲۷۸	موافق مخالف
۱۶/۷	۶۳	همکاری عملی و اجرایی
۸۳/۳	۳۱۰	موافق مخالف
۴۴/۲	۱۶۵	رعایت قوانین و مقررات شهری
۵۵/۸	۲۰۸	موافق مخالف
۱۵/۹	۶۰	کمک در تصمیم گیریهای محلی
۸۴/۱	۳۱۳	موافق مخالف

۱۰/۵ درصد پاسخگویان تمایل بسیار زیادی دارند که در تصمیم گیریهای محلی مشارکت نمایند، ۱۴/۵ درصد تمایل زیاد، ۳۶/۵ درصد تا حدودی، ۲۳/۳ درصد کم و ۱۱/۳ درصد بسیار کم و ۲/۹ اصلاً را اعلام داشته اند.

همچنین ۲۳ درصد از پاسخگویان در خصوص میزان تمایل مشارکت عملی و اجرایی در مدیریت شهری پاسخ بسیار زیاد و زیاد را اعلام داشته اند، ۳۳/۸ درصد تا حدودی، و ۳۹/۱ درصد پاسخ کم و بسیار کم و ۴/۱ درصد اصلاً را اعلام داشته اند.

ضمناً میزان تمایل بسیار زیاد و زیاد پاسخگویان برای مشارکت در نظارت بر امور شهری ۱۹/۲ درصد است، ۴۱/۳ درصد تا حدودی، و ۳۹/۵ درصد پاسخ کم و بسیار کم را اعلام داشته اند.

بر طبق آزمون بعمل آمده، میزان مشارکت اجتماعی زنان از مردان بیشتر است. بنابراین بین متغیر میزان مشارکت اجتماعی و متغیر جنسیت در سطح معنی داری ۰/۰۱ رابطه وجود دارد. در این تحقیق رابطه معنی داری بین متغیر مشارکت اجتماعی و متغیر سطح تحصیلات مشاهده نشده است. همچنین در این تحقیق رابطه معنی داری بین متغیر مشارکت اجتماعی و متغیر شغل ملاحظه نشده است. این پژوهش نشان داد که بین میزان مشارکت اجتماعی و بعد خانوار رابطه معنی داری وجود دارد، بطوری که هر قدر تعداد اعضای خانوار بیشتر باشد، میزان مشارکت اجتماعی نیز بیشتر می شود. این تحقیق نشان داد که بین متغیر

میزان مشارکت اجتماعی و نگرش شهروندان در قبال پاداش ناشی از عمل مشارکتی رابطه معنی داری وجود ندارد.

جدول شماره (۲) میزان مشارکت شهروندان در سطوح مختلف را نشان می دهد:

جدول شماره (۲): توزیع درصد میزان مشارکت شهروندان در سطوح مختلف

کم	متوسط	زیاد	مشارکت در امور شهری
۵۱/۷	۳۸/۸	۱۲/۵	میزان مشارکت در ارزیابی عملکرد خدمات شهری
۴۷/۴	۳۶/۳	۱۶/۳	میزان مشارکت در ارائه پیشنهاد
۳۶/۷	۳۷/۹	۲۵/۹	میزان مشارکت در تصمیم گیریهای محلی
۴۰/۸	۳۵/۲	۲۴	میزان مشارکت عملی و اجرایی در امور شهری
۴۲/۳	۳۵/۷	۲۲	میزان مشارکت در نظارت بر امور شهری

جدول شماره ۳ رابطه میزان مشارکت اجتماعی شهروندان و احساس مالکیت بر اموال

عمومی شهر را نشان می دهد:

جدول شماره (۳): رابطه میزان مشارکت اجتماعی شهروندان و احساس مالکیت بر اموال عمومی شهر

جمع	زیاد	متوسط	کم	احساس مالکیت بر اموال عمومی
				میزان مشارکت اجتماعی
۳۶	۳	۴	۲۹	کم
۲۴۴	۱۵۲	۴۰	۵۲	متوسط
۹۳	۶۳	۱۷	۱۳	زیاد
۳۷۳	۲۱۸	۶۱	۹۴	جمع

$\chi^2$  محاسبه شده ( $\chi^2 = ۲۱/۴۰$ ) با درجه آزادی  $df = ۴$  در سطح معنی داری  $p < ۰/۰۱$  رابطه معنی داری بین متغیر میزان مشارکت اجتماعی و احساس مالکیت بر اموال عمومی شهر را نشان می دهد. بدین ترتیب هرچه احساس مالکیت بر اموال عمومی شهر بیشتر باشد میزان مشارکت اجتماعی نیز بیشتر می شود. این پژوهش نشان داد که بین دو متغیر میزان مشارکت اجتماعی و نگرش شهروندان در خصوص ارائه کمک فکری از مفهوم مشارکت در سطح  $۰/۰۵$  رابطه معنی داری وجود دارد. همچنین بین دو متغیر میزان مشارکت اجتماعی و طرز تلقی ارائه کمک مالی از مفهوم مشارکت رابطه ای ملاحظه نشد.

جدول زیر رابطه میزان مشارکت شهروندان و نگرش آنان در خصوص دادن پیشنهاد به مفهوم مشارکت را نشان می دهد.

جدول شماره (۴) رابطه میزان مشارکت اجتماعی شهروندان و طرز تلقی دادن پیشنهاد از مفهوم مشارکت

جمع	مشارکت به معنی ارائه پیشنهاد		میزان مشارکت اجتماعی
	خیر	بلی	
۱۹	۴	۱۵	کم
۲۴۳	۶۹	۱۷۴	متوسط
۱۱۱	۲۲	۸۹	زیاد
۳۷۳	۹۵	۲۷۸	جمع

بین دو متغیر میزان مشارکت اجتماعی شهروندان و طرز تلقی ارائه پیشنهاد از مفهوم مشارکت ارتباط معنی داری در سطح ۰/۰۵ وجود دارد. همچنین در این تحقیق بین میزان مشارکت اجتماعی شهروندان و طرز تلقی همکاری عملی و اجرایی از مفهوم مشارکت رابطه‌ای ملاحظه نشد.

جدول زیر ارتباط میزان مشارکت اجتماعی و طرز تلقی مداخله در تصمیم‌گیریهای محلی از مفهوم مشارکت را نشان می دهد.

جدول شماره (۵): رابطه میزان مشارکت اجتماعی شهروندان و نگرش در مورد تصمیم‌گیریهای محلی

جمع	مشارکت به معنی دخالت در تصمیم‌گیریهای محلی		میزان مشارکت اجتماعی
	خیر	بلی	
۱۰۹	۱۲	۹۶	کم
۲۴۳	۲۹	۲۰۴	متوسط
۲۱	۸	۱۳	زیاد
۳۷۳	۶۰	۳۱۳	جمع

$\chi^2$  محاسبه شده  $\chi^2 = 7/52$  با درجه آزادی  $df = 2$  در سطح معنی داری  $p < 0/05$  وجود رابطه میان میزان مشارکت اجتماعی و نگرش شهروندان در خصوص مشارکت به معنی دخالت در تصمیم‌گیریهای محلی را نشان می دهد.

بر اساس آزمون آنالیز واریانس یکطرفه بمنظور نمایش تفاوت میانگین نمره مشارکت اجتماعی بر حسب وضعیت تاهل، مقدار آزمون فیشر ( $F = 5/42$ ) در سطح  $0/001$  معنی دار است. بنابراین به لحاظ آماری تفاوت موجود در میانگین نمره مشارکت اجتماعی در طبقات مختلف وضعیت تاهل معنی دار می‌باشد. از اینرو می‌توان گفت بین دو متغیر مشارکت اجتماعی شهروندان و وضعیت تاهل آنان رابطه وجود دارد. همچنین بر اساس آزمون آنالیز واریانس یکطرفه بمنظور نمایش تفاوت میانگین نمره مشارکت اجتماعی بر حسب مدت زمان سکونت در محل، مقدار آزمون فیشر ( $F = 3/55$ ) در سطح  $0/01$  معنی دار است.

پس می‌توان گفت بین دو متغیر مشارکت اجتماعی شهروندان و مدت زمان سکونت در محل رابطه وجود دارد. هرچه مدت زمان سکونت در محل بیشتر باشد، میزان مشارکت اجتماعی شهروند بیشتر می‌شود.

بر اساس آزمون آنالیز واریانس یکطرفه بمنظور نمایش تفاوت میانگین نمره مشارکت اجتماعی، بر حسب سن، محل تولد و نوع مالکیت واحد مسکونی، تفاوتی ملاحظه نشد.

## نتیجه گیری و پیشنهادات

بر اساس نظر دورکیم، هنگامی که شهروندان نسبت به محیط اجتماعی خود احساس تعلق نمایند، شرایط لازم برای اجتماعی اخلاقی فراهم می شود و با افزایش تعلق اجتماعی مشارکت اجتماعی نیز افزایش می یابد.

رابرت دال در تحقیق خود رویکرد رفتارگرایی اجتماعی از مشارکت، معتقد است چنانچه افراد نسبت به پاداش ناشی از عمل مشارکتی باور نداشته و یا دریافت آن را دوردست ببینند، تمایل کمتری برای مشارکت خواهند داشت. همچنین دال بیان می دارد که بین میزان تصور فرد از کارآیی اش و میزان مشارکت او ارتباط وجود دارد. به عبارت دیگر کسانی که تصور می کنند کارآیی بیشتری در امور مشارکتی دارند، میزان مشارکت آنها بیشتر است. نتیجه تحقیق حاضر نیز مؤید این نظر است، بطوری که ارتباط معنی داری بین میزان توانایی شهروندان برای کنش های مشارکتی در امور شهری و میزان مشارکت آنها وجود دارد. بر این اساس هر قدر شهروندان احساس قوی تری برای فعالیت های مشارکتی خود داشته باشند به همان نسبت بر میزان مشارکت آنها افزوده خواهد شد. لیپست در مطالعه خود در حوزه مشارکت و عوامل مرتبط با آن درباره کشورهای غربی دریافت: مردان بیشتر از زنان مشارکت دارند، تحصیلکرده ها بیشتر مشارکت دارند، شهرنشینان بیش از روستائیان، افراد سنین ۲۵ تا ۵۵ سال بیش از جوانترها، متاهلین بیش از مجردین، ساکنین قدیمی محله بیش از تازه واردین، مشارکت دارند. یافته های تحقیق حاضر نشان داد که میزان مشارکت زنان بیش از مردان، افراد جوان بیش از افراد مسن، مجردین بیش از متاهلین بوده که بر خلاف نتایج لیپست بوده است، اما در خصوص مشارکت ساکنین قدیمی محله بیش از تازه واردین، یافته های این تحقیق مؤید یافته های تحقیق لیپست است.

جمعیت نمونه تحقیق از میان خانوارهای ساکن در منطقه ۷ تهران انتخاب شدند. در بین سوالات پرسشنامه به متغیرهایی مانند سن، جنس، محل تولد، میزان تحصیلات، شغل، بعد خانوار، وضعیت تاهل، مدت زمان سکونت در محل، توجه شد. همچنین در مورد سطح مشارکت اجتماعی پاسخگویان، یافته ها نشان داد که ۲۹/۲ درصد مشارکت اجتماعی پائین، ۵۶/۴ درصد مشارکت اجتماعی متوسط و ۱۴/۴ درصد مشارکت اجتماعی بالا داشته اند.

به علاوه میزان رضایت مندی شهروندان از خدمات شهری، میزان احساس تعلق اجتماعی پاسخگویان، طرز تلقی شهروندان از مفهوم و معنی مشارکت، طرز تلقی شهروندان از



اینکه عمل مشارکتی پاداشی را به همراه دارد، طرز تلقی شهروندان از تمایل برای مشارکت در مدیریت شهری مورد سنجش قرار گرفت.

در این تحقیق رابطه معنی داری بین میزان مشارکت اجتماعی در مدیریت شهری و متغیرهای میزان تحصیلات و شغل ملاحظه نشد. البته باید توجه داشت که در تحقیقات دیگر با ابعاد وسیعتر ممکن است نتایج دیگری بدست آید. همچنین نتایج این تحقیق نشان داد که بین میزان مشارکت اجتماعی و میزان احساس مالکیت بر اموال عمومی شهر ارتباط معنی داری وجود دارد. این امر در مورد وضعیت تأهل نیز صادق است.

یافته های این تحقیق نشان داد که هرگاه طرز تلقی از مفهوم مشارکت به ارائه پیشنهادات تعبیر شود میزان مشارکت اجتماعی افزایش می یابد، ولی هرگاه طرز تلقی از مفهوم مشارکت بعد مالی و پرداخت وجه یا بعد عملی و اجرایی به خود گیرد، میزان مشارکت اجتماعی کاهش می یابد. نتایج این تحقیق نشان داد که بین میزان مشارکت اجتماعی شهروندان و مدت زمان سکونت آنها در محل ارتباط معنی داری وجود دارد.

در خصوص ارائه پیشنهادات، نکته مهم و اساسی این است که با توجه به اینکه میزان احساس مالکیت بر اموال عمومی شهر توسط شهروندان بسیار ضعیف است، بطوریکه ۵۹/۹ درصد پاسخگویان اموال عمومی شهر را مانند اموال شخصی خود نمی دانند، ضرورت دارد با آموزش های مناسب احساس مالکیت در شهروندان تقویت شده و نیز مشارکت در مدیریت شهری محسوس می گردد. همچنین با توجه به اینکه میزان رضایت از خدمات شهری در سطح پائینی بوده و ۷۱/۲ درصد از پاسخگویان اظهار نارضایتی کرده اند، لذا با مطالعه و بررسی عوامل نارضایتی شهروندان از خدمات شهری و برنامه ریزی دقیق برای جلب مشارکت اجتماعی شهروندان در مدیریت شهری، موجبات رضایتمندی آنان فراهم خواهد شد.

نتایج تحقیق نشان داد که میزان تعلق اجتماعی شهروندان ضعیف است و شهروندان نسبت به محیط زندگی خود احساس تعلق و یگانگی ندارند. ساختار زندگی شهری شرایطی را ایجاد نموده که منافع عمومی در مقابل منافع شخصی رنگ باخته است. فردی که از روستا به شهر مهاجرت می کند، بعد از اقامت بعنوان شهرنشین محسوب می شود اما هنگامی که با قوانین و مقررات و مناسبات محیط جدید آشنا می شود، آن را پذیرفته و قواعد آن را رعایت نماید شهروند خواهد شد، و چنانچه نسبت به آن احساس تعلق نماید، منافع عمومی برای او به اندازه منافع فردی اهمیت می یابد و در این شرایط مشارکت اجتماعی در امور شهری خواهد داشت. پیشنهاد می شود با افزایش برنامه های آموزش فرهنگی و اجتماعی، حقوق زندگی

شهری به شهروندان شناسانده شود تا زمینه مشارکت اجتماعی آنان در مدیریت شهری فراهم تر شود.

این تحقیق نشان داد که شهروندان منطقه ۷ تهران نزدیک ترین مفهومی که از مشارکت اجتماعی در ذهن خود دارند مشارکت در رعایت قوانین و مقررات شهری و مشارکت در ارائه کمک فکری بوده است و دورترین مفهومی که از مشارکت در ذهن داشته اند مشارکت عملی و اجرایی بوده است.

همانگونه که ملاحظه می شود شهروندان در اموری که جنبه قانونی پیدا می کند و جزء الزامات زندگی شهری است (نظیر رعایت قوانین و مقررات شهری) و نیز در اموری که آسانتر می باشد (ارائه پیشنهاد و نظر) آمادگی بیشتری برای مشارکت دارند. بنابراین مشارکت شهروندان در چارچوب مقررات و قوانین بیشتر امکان پذیر خواهد بود.

همچنین تحقیق نشان داد ۲۹/۸ درصد پاسخگویان اظهار داشته اند عمل مشارکت برایشان پاداش همراه دارد. بنابراین پیشنهاد می شود مشارکت شهروندان در سطح محل انجام شود تا فاصله بین دریافت پاداش و انجام عمل کمتر شود.

پیشنهاد می شود برای جلب مشارکت اجتماعی شهروندان در مدیریت شهری، گروه های همیار در سطح محل تشکیل شود. بعلاوه با توجه به نتایج این تحقیق، افرادی که مدت زمان سکونت آنها در محل زیاد است بیش از سایرین آماده مشارکت هستند، لذا پیشنهاد می شود برنامه های مدیریت مشارکتی در امور شهری با جلب مشارکت شهروندانی که از ساکنان قدیمی تر محل هستند انجام پذیرد.

## فهرست منابع فارسی:

- اوپنهایم، اان، طرح پرسشنامه و سنجش نگرش ها، مترجم: مرضیه کریم نیا، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹.
- بیرو. آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، مترجم: باقر ساروخانی، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۶۶.
- توسلی، غلام عباس، «طرح آسیب ها و انحرافات و رابطه آن با مشارکت اجتماعی»، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.
- چلبی، مسعود، «وفاق جمعی»، نامه علوم اجتماعی، تهران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، جلد دوم، شماره ۲، ۱۳۷۲.
- حامد مقدم، احمد، «مشارکت و توسعه روستایی» مجموعه مقالات سمینار جامعه شناسی توسعه، تهران، انتشارات سمت، جلد دوم، ۱۳۷۰.
- دواس، دی، ا، روش پیمایشی در تحقیق اجتماعی، مترجمان: مریم رفعت جاه و همکار، تهران، مرکز ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۷۵.
- رضایی، عبدالعلی، «مشارکت اجتماعی هدف یا ابزار توسعه»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۱۰، ۱۳۷۵.
- رفیع پور، فرامرز، کند و کاوها و پنداشته ها، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۰.
- سیف الدینی، فرانک، مشارکت مردمی در برنامه ریزی توسعه، مجله علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه شیراز، دوره دوازدهم، شماره دوم، ۱۳۷۱.
- شادای طلب، ژاله، «مشارکت مردم در مدیریت»، ماهنامه جهاد، تهران، سال ۱۳، شماره ۱۶۲، تیر ماه ۱۳۷۲.
- شایگان، فریبا، عوامل مؤثر بر حضور و مشارکت مردم در مساجد در سه منطقه تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۸.
- طالب، مهدی، مدیریت روستایی در ایران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
- عمر، سالیما، دموکراسی مشارکتی و نهادهای توسعه مشارکتی، مترجم: عباس مخبر، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۵.
- قوام، عبدالعلی، توسعه سیاسی و تحول اداری، تهران، انتشارات قومس، چاپ دوم، ۱۳۷۳.
- کیوی، ریمون و همکار، روش تحقیق در علوم اجتماعی، مترجم: عبدالحسین نیک گهر، تهران، نشر فرهنگ معاصر، ۱۳۷۱.
- گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی، مترجم: منوچهر صبوری کاشانی، تهران، انتشارات نی، ۱۳۷۳.
- محسنی تبریزی، علیرضا، «بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی، بررسی رابطه میان بیگانگی و مشارکت اجتماعی - سیاسی»، نامه پژوهش، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره یک، مرکز پژوهشهای بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳.
- منصور فر، کریم، روشهای آماری، تهران، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- ویزبرگ، تحقیق پیمایشی و تحلیل داده ها، مترجم: جمال عبادی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۶.

- وینر، مایرون، نوسازی جامعه، مترجم: رحمت مقدم مراغه ای، تهران، انتشارات شرکت سهامی کتب جیبی، ۱۳۵۲.
- هریسون، دیوید، جامعه شناسی نوسازی و توسعه، مترجم: علیرضا کلدی، تهران، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۷۶.
- هانتینگتون، ساموئل، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، مترجم: محسن ثلاثی، تهران، نشر علم، ۱۳۷۵.

#### فهرست منابع انگلیسی :

- Bamberg M. (1986) "The Role of Community Participation in Development Planning and Project Management", Report of Workshop on Community Participation held in Washington D.C., September 22-25, 1986.
- Fagence M. (1977) Citizen Participation in Planning, London: Pergamon Press.
- Horton S. et al. (1980) Participation in Social and Political Activities, International Encyclopedia of Social Science, Vol.2, P.456, San Francisco: Jossey- Bass Publishers.
- Josif E. (1996) "Community Participation", Community Development Journal, Vol. 33, No.7, Nov.
- Lerner D. (1958) The Passing of Traditional Society, New York: The Free Press.
- McClelland, D. (1961) The Achieving Society, New York: The Free Press.
- Smith, B.C. (1998) "Participation without Power: Surface or Development", Community Development Journal, Vol. 11, No.3. July.